



پنجشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۷۷۲

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

شکل گیری جبهه متحد تشیع ایرانی و تسنن عربی

در ژوئیه ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) مصر به خاطر آنکه ایران به طور دوقاکتو اسرائیل را به رسمیت شناخته بود، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. در اوت همان سال، در یکی از نشست‌های علمای الازهر، ۱۵۰ نفر از علما اعلامیه‌ای صادر کردند که از مسلمانان سراسر جهان خواسته بود در برابر شاه ایران و سیاست طرفدار اسرائیلی‌اش حالت جهاد به خود بگیرند.^۱

۳ سال بعد، شاه «انقلاب سفید»ش را به راه انداخت، به این قصد که اصلاحاتی انجام دهد که لازم‌اش خلع پد از مالکان عمده و آزادی زنان بود. این اقدامات مخالفت دینی مردم را برانگیخت، که توسط حضرت آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبری می‌شد. ایشان آن زمان نسبتاً ناشناخته بودند و غیرقانونی بودن و بطلان این اصلاحات و نیز روابط شاه با اسرائیل و ایالات متحده آمریکا را محکوم کردند.

اشتراک علایق بین این مخالفت در ایران و مبارزه ناسیونالیست‌های عرب ناصری علیه شاه، «جبهه متحد»ی بین تشیع ایرانی و تسنن عربی برپا کرد. روحانیت مبارز شیعه ایران، یک‌شبه در محافل عربی-سنی، چنان احترامی یافت که کسی کمتر نظیرش را به خاطر می‌آورد.

۱- میدل ایست ژورنال، زمستان ۱۹۶۰، صفحات ۴۵۲ و ۴۵۳

حمید عنایت/ اندیشه سیاسی در اسلام معاصر
بهاالدین خرمشاهی
(چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، دی ماه ۱۳۶۲)
صفحات ۹۴ و ۹۵

بدون مردم هرگز!

دم در صحن، از اتومبیل پیاده شدیم، تا لحظه‌ای که رجایی از در وارد نشده بود، توجه هیچ کس به او جلب نشد. داخل جمعیت شده بود و داشت می‌رفت، ما نیز همراه او، تازه از در داخل شده بودیم که کسی یک خرده او را شناخت و با صدای بلند گفت: «صل علی محمد/ یار امام خوش آمد». یک‌باره موج جمعیت، رجایی را از جا کند و بُرد و بُرد و ما را به دنبال او. چند قدمی ترفته بودم که «صادق» آغزیزای آن پشت، یقه کم‌ را گرفت و کشید در یک لحظه، موج جمعیت رفت و من و صادق باقی ماندیم. التّهاب و شوق بودن با جمعیت، مرا از توجه به واقعیت بازداشته بود. یک‌بار با جمعیت و همراه رجایی رفته بودم و نزدیک بود زیر دست‌وپا بمانم. از آن روز به بعد، همین که جمعیت به طرف رجایی می‌آمد، من از صحنه می‌گریختم!

آن روز هم برای اینکه عقب نمایم، قبل از بازگشت رجایی از حرم، به داخل اتومبیل پناه بردیم. ذقایی بعد، جمعیت آن‌بوه، رجایی را تا دم در ماشین آورد. وقتی رجایی به داخل ماشین آمد، عرق کرده و خسته بود. هر کس می‌خواست او را بیوسد، دستش را بگیرد و خود را به او برساند، جمعیت چندین هزار نفری، همه چنین توقعی داشتند و عجیب بود که رجایی هم از این کار بدش نمی‌آمد!

همان‌طور که نفس نفس می‌زد، گفت: چند نفر دستم را گرفته بودند و به طرف خود می‌کشیدند، جمعیت هم مرا به طرف دیگری می‌برد. در یک لحظه احساس کردم که دستم دارد از شانه‌ام کنده می‌شود. گفتم: اگر چند محافظ بین شما و جمعیت حائل شوند، شما از مردم جدا می‌شوید و این وضع پیش نمی‌آید.

گفت: بی‌دست هم می‌شود زندگی کرد، ولی بی‌مردم نمی‌شود!

کیمرث صابری/ خاطرات کیمرث صابری (گل آقا)
(چاپ اول، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶)
صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳

تفاوت‌های شاملو و اخوان ثالث

خیلی‌ها می‌گفتند شاملو شاعری مدرن است، جهانی است و... اما اخوان شاعری سنتی و قدیمی‌تر است. یک روز اخوان مرا دید و گفت: «آنهايي که در وجودشان فرهنگ غربي قوي است، می‌روند به سراغ شاملو، ولی آنهايي که ایرانی‌اند و با فرهنگ سنتی ما الفتی دارند، آنها ما را می‌پسندند».

شاملو ساز نمی‌زد ولی وقتی صدای پیانو، مخصوصاً ملودی‌های فرنگی را می‌شنید، بی‌تاب می‌شد. در خانه‌اش هم وقتی من رفته بودم، پیانویی را دیدم اما ساز اخوان، تار بود که گاهی اوقات می‌آورد و با آن «حال می‌می‌کرد. زن اخوان یک زن کاملاً سنتی بود که مثلاً از پشت پرده چای را می‌داد اما زن شاملو نه تنها یک زن امروزی بود، بلکه مسیحی هم بود. اخوان ثالث کیوتر داشت. کیوتر هوا نمی‌کرد ولی دوست داشت گوشه حیاطش همیشه ۳-۴ تا کیوتر باشد اما شاملو سگ داشت. به دیوار خانه اخوان، کشتول و تبریز و وسایل درویشی آویزان بود اما در خانه شاملو، تابلوهای فرنگی دیده می‌شد. اخوان عشق به قهوه‌خانه داشت اما شاملو به جاهایی مثل «کافه روبرو» می‌رفت که فرهنگ و امروزی بود. اخوان هم‌ا‌ش جست‌وجوگر فردن و گذشته ما بود اما شاملو دنبال ادبیات غرب بود.

حسن پستنا/ روزنامه انتخاب
شماره ۴۰۱

حضرت امیر المومنین (ع):

با ۳ صفت محبت دوستی به دست می‌آورد:
۱- انصاف در معاشرت، ۲- همدردی با دیگران در خوشی و ناخوشی، ۳- برخورد با قلب پاک و سالم.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ | نمابر: ۶۶۴۱۳۷۹۲
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir | پست سازمانی: vatanemrooz@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم پرتو پرتا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گرافیک‌های ایرانی چگونه نگاه مردم ایران به جنگ با رژیم صهیونیستی را بازتاب دادند؟

جنگ نمادها و نشانه‌ها

اواخر بهار و اوایل تابستان ۱۴۰۴ نمایندگی کنند. در ادامه به ۱۰ مورد از نشانه‌های بارز تکرار در آثار گرافیکی ایرانیان پس از جنگ تحمیلی با رژیم صهیونیستی اشاره شده است که می‌توان آنها را بازتابی کلی از افکار عمومی مردم ایران دانست و به‌علاوه می‌شود عیناً تمام این نشانه‌ها را در اشعار این دوره هم چنانکه در قالب کلمات بروز پیدا کرده‌اند، یافت. آنچه در ادامه به عنوان نمونه می‌آید، اگرچه از میان آثار فاخر و جالب توجه گرافیک‌های ایرانی انتخاب شده اما به معنی برتر بودن آنها بر آثار دیگر نیست. ممکن است ذیل هر کدام از این عناوین ده‌گانه، چندین و چند اثر فاخر خلق شده باشد یا آثاری باشند که بتوان آنها را ترکیبی از چند مورد دانست اما اینجا برای نمونه تنها می‌شود ذیل هر عنوان، به یک تصویر اشاره کرد و این در مجموع تلاشی است برای ثبت آنچه در ذهن ایرانیان طی این ایام گذشته و گرافیک‌های آن را به تصویر کشیده‌اند تا تاریخ بداند ما مردم ایران در این روز و روزگار قاضیا را چگونه می‌دیدیم و به چه می‌اندیشیدیم.

مذهبی و ملی پرداختند؛ آن هم نه طوری که این چیزها با هم ترکیب شده باشند، بلکه انگار از ابتدا یکی بودند. گرافیک‌ها و فعالان هنرهای تجسمی هم به میدان آمدند و آثاری خلق کردند که آنچه بر لوح روح و جان مردم ما طی این ایام نقش بسته بود را در قاب‌شان منعکس می‌کرد. این آثار گرافیکی هم برخوردار از عناصری هستند که امکان دارد در شرایط عادی برای هیچ تابلویی مورد استفاده قرار نگیرند یا کمتر از آنها استفاده شود. شاید سال‌ها بعد دیدن آثار گرافیکی این دوره، ناگهان شوکی در ذهن مخاطبانی ایجاد کند که روزهای پس از ۲۳ خرداد سال ۱۴۰۴ را به چشم دیدند و باعث یادآوری احوالاتی شود که در تمام این روزهای تلخ و شیرین از سر گذرانند؛ روزهایی که مثل صاعقه آمد و رفت و نه فرصت گریستن بر مصائبش را به ما داد و نه مهلت کافی برای لذت بردن از ایستادگی و اقتدارمان را باقی گذاشت. در ادامه به مرور تعدادی از این آثار گرافیکی پرداخته شده که هر کدام به نوعی می‌توانند ذهنیت توده‌های اجتماعی ایران نسبت به این جنگ را در

طی سال‌های اخیر، ناگهان در لحظه حمله متجاوز این‌طور متحد شوند و بی‌تعارف پشت نظام و رهبری قرار بگیرند تا از کشورشان دفاع کنند؟ این چیزها در گزارشات رسمی و اخبار ثبت شده از میدان جنگ چندان یافت نمی‌شود و نیاز به غرق شدن در آن دسته از آثار هنری دارد که در واکنش به چنین رویدادی پدید آمدند. بخشی از هنرمندان ما توانستند آنچه در ذهن و دل این مردم می‌گذشت را با بیان تمثیلی و هنری ثبت کنند و از رهگذر مرور و بررسی این آثار است که می‌توان پرسده از آنچه درون ذهن ملت ایران می‌گذرد برداشت. شاعران ما اشعاری سرودند که از روز اول حمله تا روز آتش‌بس و روزهای پس از آن، سیر معنایی مخصوصی را طی می‌کرد و می‌شد حتی از نوع انتخاب واژگان هم به آنچه ذهنیت کلی جامعه ایران را تشکیل می‌داد پی برد. قطعه موسیقایی «علاج» با صدای محسن چاوشی که روی شعری از کاظم بهمنی سوار بود، بخش قابل توجهی از این فضا را نمایندگی می‌کرد. بعد از آتش‌بس هم دهه اول محرم آغاز شد و مداحان ایرانی در هیئت مذهبی به تلقیق عناصر

جزئیات نظامی و امنیتی هر جنگی در اسناد و اخبار رسمی مندرج می‌شود و ممکن است به مرور زمان اسناد جدیدتری هم افشا شوند که به شناخت بهتر زمینه‌های درگیری و نوع درگیری و نتایج آن کمک کنند. بـا این حال آنچه در این گزارشات چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، حال و احوال مردم جامعه در آن روز روزگار است. جنگی که از پایتخت‌ها شروع شد و در دل خانه‌ها و خیابان‌ها ادامه یافت و اکثر شهدای آن غیرنظامی بودند، با چه واکنشی از جانب افکار عمومی ایرانیان مواجه شد؟ این پرسش مهمی است، چراکه اگرچه حمله رژیم صهیونیستی به ایران اساساً بر مبنای غافلگیری استوار شده بود اما برخورد مردم ایران به این تهاجم هم غافلگیرکننده بود. چه چیزی در ذهن مردم ایران می‌گذشت که باعث شد پس از چندین و چند تنش اجتماعی و ایجاد دلخوری‌ها و چنددستگی‌های تداور



میلاد جلیل‌زاده

تشبیه صهیونیست‌ها به موش و ایرانیان به شیر

۲ عنصر تکرار شونده در آثار گرافیکی پس از جنگ تحمیلی دوم، ۲ حیوان نمادین یعنی موش و شیر هستند. گرافیک‌های ایرانی صهیونیست‌ها را به موش و ایرانی‌ها را به شیر تشبیه کرده‌اند. این در حالی است که خود رژیم صهیونیستی اسم عملیاتش را بر اساس روایتی از تورات به شیرها منتسب کرده بود؛ ایرانی‌ها اما نماد معروف آنها در جهان، یعنی موش را مورد استفاده قرار دادند و تشبیه ایران به شیر که در زیر لایه‌اش اشاره‌ای به یکی از القاب امیرالمومنین (اسدالله الغالب) هم وجود دارد آمده است.



لیلا اریایی

اشاره به کودک‌کشی رژیم و حمله به امدادگرها

مشهورترین لقبی که رژیم صهیونیستی پس از توفان الاقصی پیدا کرد، رژیم کودک‌کش بود. چیزی که همه دنیا را در این جنگ شگفت‌زده کرد، بی‌پروایی این رژیم در شکستن تمام قواعد از جمله حمله به کودکان و امدادگرها بود. در تجاوز به ایران هم این قضیه تکرار شد و عروسک دختری خردسال که شهید شد و یک آمبولانس امدادی که مورد حمله قرار گرفت، به نمادهایی از آن تبدیل شدند.



امیرحسین بزرگر

حمله به رسانه ملی

اساس کار رژیم صهیونیستی در این حمله استفاده از اصل غافلگیری و ایجاد رعب و وحشت بود. آنها غیر از اینکه می‌خواستند سازمان رزم ایران را به هم بزنند، قصد داشتند در افکار عمومی ایران هم رعب و وحشت به وجود بیاورند. حمله به صداوسیما و حملات کور به بسیاری از مناطق مسکونی، کاملاً در همین راستا بود. حمایت آمریکا از رژیم هم قرار بود در دل مردم ایران رعب بیندازد اما افکار عمومی ایران به شکل غافلگیرکننده‌ای محکم ایستاد و تا آخرین لحظه دشمنش را پوشالی و پوچ و ضعیفی می‌شمرد.



ناشناس

پوشالی دانستن قدرت صهیونیست‌ها

اساس کار رژیم صهیونیستی در این حمله استفاده از اصل غافلگیری و ایجاد رعب و وحشت بود. آنها غیر از اینکه می‌خواستند سازمان رزم ایران را به هم بزنند، قصد داشتند در افکار عمومی ایران هم رعب و وحشت به وجود بیاورند. حمله به صداوسیما و حملات کور به بسیاری از مناطق مسکونی، کاملاً در همین راستا بود. حمایت آمریکا از رژیم هم قرار بود در دل مردم ایران رعب بیندازد اما افکار عمومی ایران به شکل غافلگیرکننده‌ای محکم ایستاد و تا آخرین لحظه دشمنش را پوشالی و پوچ و ضعیفی می‌شمرد.



مهدی شاهرویدی

دللق بودن ترامپ

درست است که رژیم صهیونیستی به ایران حمله کرده بود اما در این ایام اظهار نظر چندان‌ی از جانب نتانیاهو که نخست‌وزیر این رژیم است دیده نمی‌شد و مسؤولیت رجز خوانی در این جنگ برای ایران را دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده بر عهده گرفته بود. ترامپ یک بار اعلام کرد مردم تهران باید شهرشان را ترک کنند و چند بار به طور تلویحی سران نظام را تهدید به ترک کرد اما چهره او در افکار عمومی ایران نه یک مرد مقتدر، بلکه به شکل تحقیرآمیزی یک دللق جا افتاده بود.



حسین یوزباشی

استفاده از هیبت امیرالمؤمنین و ارجاع به ماجرای خیبر

یکی از اصلی‌ترین عناصری که در آثار گرافیکی ایرانیان پس از جنگ به چشم می‌خورد، استفاده از هیبت حضرت امیرالمومنین و ارجاع به ماجرای خیبر است. اشاره به ماجرای خیبر حتی در بین مردم فلسطین که از اهل سنت هستند از چند دهه پیش وجود داشت و در شعارهای شان نمود پیدا می‌کرد. شهید یحیی سنوار در کتاب «خار و میخک» که به شرح وضع زندگی مردم غزه پرداخته است اشاره‌ای به این قضیه دارد.



محمدعلی نادری

تلفیق ایران باستان و شیعه

نبرد ایران و رژیم صهیونیستی فراتر از نزاع ۲ نظام سیاسی که یکی‌شان نماینده غرب هم هست، نبردی است که ریشه در مسائل اساطیری و باستانی هم دارد. از جمله این موارد می‌توان به جشن پوریم در میان یهودیان که نوعی بزرگداشت از قتل عام ایرانیان است اشاره کرد. حالا گرافیک‌های ایرانی با تلفیق ایران باستان و ایران شیعه در طرح‌های‌شان، بر اساس همان پیش‌زمینه‌ها به خلق معنا دست زده‌اند.



امیرمحمد سرمدی

اقتدار موشک‌ها

چند ساعت پس از حمله رژیم صهیونیستی به ایران و ترور فرماندهان ارشد نظامی، سازمان رزم ایران توانست خود را بازتابی کند و ضمن دفاع در داخل خاک میهن، حملات موشکی‌اش به رژیم صهیونیستی شروع شد. در حالی که مردم ایران داخل شهرهای مختلف کشور مرتب با خرابکاری‌ها و یک سری حملات مواجه بودند، پاسخ‌های موشکی ایران که قلب شهرهای رژیم صهیونیستی را هدف قرار می‌داد قوت قلبی برای مردم بود. تشبیه موشک‌ها به ذوالفقار امیرالمومنین در این تصاویر زیاد اتفاق می‌افتد.



امیرحسین زنگنه

وابستگی اسرائیل به حمایت آمریکا

تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران در زمانی انجام شد که هنوز مذاکرات ایران و آمریکا در جریان بود. این اتفاق پس از مسائلی مثل خروج آمریکا از برجام و بدعهدی‌های مکرر دیگر، میخ آخر را بر تابوت اعتماد یا امید به آمریکا در ذهن مردم ایران کوبید، چنانکه کارشناسان عنوان می‌کنند از این به بعد حتی در رقابت‌های سیاسی داخل ایران هم این موضوع خود را نشان می‌دهد. مردم ایران در ضمن اعتقاد داشتند که اسرائیل بدون حمایت آمریکا چند روز هم نمی‌تواند در مقابل کشورشان دوام بیاورد.



ریحانه ابراهیمی

همبستگی با فلسطین و نمایش ریشه‌های مقاومت

رژیم صهیونیستی که سوداهای دور و درازی برای فتح مناطق مختلفی از منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا دارد، این جریان را ده‌ها سال پیش از داخل خاک فلسطین آغاز کرد و نخستین هسته‌های مقاومت در برابرش که کار او را سخت کردند و باعث شدند پیشروی کند شود، در داخل همان فلسطین شکل گرفت. مردم ایران از همان ابتدا حامی فلسطینی‌ها بودند اما پس از تجاوز رژیم به خاک کشورشان این همدلی شکل تصاعدی پیدا کرد. یاد حاج قاسم سلیمانی که فرمانده نیروی قدس بود و فرمانده شهید یحیی سنوار که به نماد ایستادگی در برابر تجاوز تا آخرین نفس تبدیل شد، در این ایام بسیار زنده می‌شد.



مصباح هاشمی